

دوشنبه ۱۴۰۵/۲/۷ - ۹ ذی‌قعدة الحرام ۱۴۴۷ - ۲۷ آوریل ۲۰۲۶ - درس ۱۳۳ - فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی - رابطه چهارم - رابطه با دنیا - اصل اول الرضا بالدون - فقه القرآن -

❁ مسئله‌ی ۱۳۳: کارکنان سازمان باید نسبت به امکانات اعطایی مقامات مافوق - ولو کم باشد - راضی باشند و با انگیزه‌ی بالا از این حداقل‌ها به بهره‌وری حداکثری برسند و در ارزیابی عمل کرد به اوج درجه‌ی شایستگی نائل گردند

معلوم شد که رضایت به دنیا مذموم است؛ مگر «رضا بالدون»؛ یعنی به حداقل امکانات برای بیش‌ترین بهره‌برداری‌ها و یعنی درجه‌ی بالای کارآیی که رکن مهم بهره‌وری در کنار اثربخشی است. مدیر و کارگزاری که از حداکثر امکانات، بهره و شکر حداقلی می‌برد و به جای می‌گذارد، دارای تنزل شایستگی و صلاحیت است و این همان «الرضا بالدون» است که امام صادق علیه السلام در تعامل با دنیای سازمانی، یعنی امکانات و منابع مادی مالی سازمان بر آن تأکید دارند، و الا بیش‌ترین مصرف با کم‌ترین تولید هنری نیست. در این نوبت از فقه القرآن به دو آیه‌ی دیگر که به ما نحن فیه ارتباط دارند توجه می‌دهیم:

وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَوْخُونَ. (التوبة: ۵۸) ^۱

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ. (التوبة: ۵۹)

اطلاق «صدقات» در آیه‌ی اول شامل منابع مالی سازمان هم می‌شود که مقام عالی مافوق، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله به نمایندگی از مافوق خود، یعنی خدا آن را به کارگزاران خود که مشمول اطلاق «منهم» هستند اعطاء و ایتاء می‌کند. این آیه به دو واکنش در مقابل اعطاء بودجه و امکانات به راضیان و ناراضیان در دو بعد متفاوت دلالت دارد. راضیان اعطاء مطلق و ساخطان و ناراضیان عدم اعطاء را خواهند دید. کارکنان حتماً باید از هر نوع امکاناتی استفاده کنند تا راضی باشند و کار کنند، و الا دچار کاهش انگیزش می‌شوند و این روحیه مورد مذمت آیه قرار گرفته است. دلیل مذمت آیه‌ی دوم است که می‌فرماید اگر راضی بودند به آنچه ایتاء می‌شوند از مقداری که خدا و رسول صلی الله علیه و آله به عنوان سهمیه در نظر گرفته‌اند، رفتار بهتری است. در مقابل، عدم رضایت، بلکه سخط از سهمیه، رفتار بدتری است. کلمه‌ی طیبه‌ی «حسبنا الله» نشان از رضایت از سهمیه است که اطلاق آن «رضا بالدون» را

^۱ شأن نزول: از ابی سعید خدری روایت شده که هنگامی رسول خدا صلی الله علیه و آله تقسیم می‌کرد - و ابن عباس گفته: این جریان در جنگ حنین و تقسیم غنائم هوازن بود - در این وقت حرقوص بن زهیر که همان ابن ابی ذی الحویصرة تمیمی بود و بعدها رئیس خوارج شد به نزد آن حضرت آمده گفت: ای رسول خدا از روی عدالت رفتار کن، حضرت در جواب او فرمود: وای بر تو اگر من به عدالت رفتار نکنم کیست که به عدالت عمل کند؟ عمر گفت: ای رسول خدا اجازه بده گردن این مرد را بزنم. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را بگذار که او اصحاب و یارانی دارد که هر يك از شما نماز خود را در برابر نماز آنها و روزه‌اش را در مقابل روزه‌ی آنها اندک شمارد، اینان از دین بیرون می‌روند هم چنان که تیر از شکار بیرون رود، پس (شخص شکارچی) نظر به پره‌های پیکانش کند چیزی در آن دیده نشود، دوباره نگاه به میانه‌ی تیر کند در آن نیز چیزی یافت نشود، سپس نظر به خود پیکان کند در آن نیز چیزی دیده نشود، با این‌که آن تیر از سرگین و خون (باطن حیوان) گذشته (ولی هیچ اثری از آنها در تیر نمانده) نشانه‌ی این خوارج مرد سیاهی است که در یکی از دو پستانش - یا فرمود: در یکی از دو دستش - (غده‌ای) چون پستان زنان است یا پاره گوشتی است که حرکت می‌کند و در حال آرامش و صلح مردم خروج می‌کنند. و در حدیث دیگری است که فرمود: هر گاه خروج کردند آنان را بکشید، سپس وقتی خروج کردند آنان را بکشید، آن گاه آیه‌ی فوق نازل گردید. ابو سعید خدری گوید: من گواهی میدهم که این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم و گواهی میدهم که چون علی علیه السلام را کشت همان مرد را با همان وصفی که پیغمبر صلی الله علیه و آله توصیف کرده بود به نزدش آوردند. و این روایت را ثعلبی نیز در تفسیر خود روایت کرده است. و کلی گفته: این آیه درباره‌ی «مؤلفه قلوبهم» ^۱ که همان منافقین بودند نازل شد چون مردی از آنها به نام ابن جواز درباره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که او به‌طور مساوات تقسیم نکرد، و خداوند این آیه را نازل کرد. و حسن گفته: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به تقسیم غنائم مشغول بود مردی به نزد او آمده گفت: آیا چنان نیست که تو پنداری خدا مأمورت ساخته تا صدقات را در میان فقراء و مستمندان تقسیم کنی؟ فرمود: چرا، عرض کرد: پس چرا میان گوسفندان قسمت میکنی؟ حضرت فرمود: همانا پیغمبر خدا موسی گوسفندچران بود، و چون آن مرد دور شد رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم فرمود: از این مرد (پرهیز کنید و) بر حذر باشید. و ابن زید گفته: منافقان گفتند: محمد این غنائم را جز به هر کس که دوست دارد به دیگری نمی‌پردازد و بر طبق دل‌خواه خود رفتار می‌کند، پس این آیه نازل شد. (طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج. ۱۱، ص. ۱۲۶)

هم دربرمی‌گیرد، یعنی هرچقدر باشد قبول دارند و راضی هستند. این روحیه ممدوح است و نشان از رفتار سازمانی به‌هنگار و مثبت دارد که کارگزار جهادی و خادم، در بهره‌وری از امکانات از حداقل داده‌ها، حداکثر ستاده‌ها و خروجی را استحصال می‌کند. یعنی خفیف المئونة و كثير المعونة است، رضایت خود را با «حسبنا الله» اعلام می‌کند که لابد مقام عالی ربوبی مصلحت‌ها را در نظر گرفته است. در ادامه می‌گوید: «سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ»، یعنی در آینده هم راضی به مقدار اعطایی هستم، هرچه از دوست می‌رسد نیکوست، همه از فضل خداست و آخرین واکنش رضامندانه‌ی او هم عبارت است از «إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ»، یعنی نهایتاً رغبت به سوی خدا داریم، کارگزار او هستیم و رضایت او از رضایت ما مهم‌تر و اصل است.

نتیجه این‌که دو آیه ظهور دارند در مدح و تحسین رضایت کارکنان به امکانات و صدقات اعطایی و ایتایی مقامات ربوبی عالی که شامل رضایت به حداقل و دون هم هست و نه تنها ناراضی نیستند، بلکه با انگیزه‌ی بالا از این حداقل‌ها بهره‌وری حداکثری به بار می‌آورند.

فتحصل که کارکنان سازمان باید نسبت به امکانات اعطایی مقامات مافوق—ولو کم باشد—راضی باشند و با انگیزه‌ی بالا از این حداقل‌ها به بهره‌وری حداکثری برسند و در ارزیابی عمل کرد به اوج درجه‌ی شایستگی نائل گردند، والله العالم.^۲

^۲ درس ۱۳۳ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۹ شهر ذی القعدة ۱۴۴۷.